



تحلیل هفته

معدن یورت نماد جهنم جمهوری اسلامی برای کارگران ایران



صادق کار

رسوای عام و خاص کرد. تاثیر فاجعه بر افکار عمومی به رغم همه تدابیری که توسط وزیر کار و دیگر مسئولان برای کاستن از ابعاد این فاجعه و جهنمی که جمهوری اسلامی برای کارگران درست کرده به حدی وسیع شد که آنها به دلیل نگرانی از واکنش کارگران و جامعه نیروی سرکوب گر بسیج را در محل مستقر کردند، تا با

حتی حاضر به اعلام عزای عمومی در کشور نشدند. در اثر این حادثه گوشه‌ای از آن شرایط هولناک کاری کارگران ایران که توسط مقامات دولتی همواره بر آن سرپوش نهاده شده و می شود، توسط برخی خبرنگاران که برای تهیه گزارش به محل رفته بودند در معرض دید و قضاوت جامعه قرار داده شد و وجدان های بسیاری را تکان داد و دروغگویان مدعی "عدالت اسلامی" را بیش از پیش

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ در اثر انفجار مهیبی که در معدن زغال سنگ زمستان پورت به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی توسط کارفرما به وقوع پیوست، متاسفانه، حداقل ۴۰ کارگر تا کنون از معدن چیان کشته و بنا بر اعلام رسمی سرپرست اورژانس کشور ۷۰ تن مصدوم شدند. با این حال مقامات دولتی و علی خامنه‌ای به دادن پیام های تسلیت توخالی به خانواده های کشته شدگان اکتفا و



نظارتی و وظیفه‌اش عمل می‌کرد و کارفرما را مجبور به رعایت قانون می‌نمود، آیا کارفرما باز هم می‌توانست با کارگر این همه غیر انسانی و ظالمانه رفتار کند و جان و معیشت و آینده ۵۰۰ کارگر و خانواده هایشان را برای کسب سودهای غیر متعارف به بازی بگیرد؟ **کارفرما فقط در ارتباط با بیمه نکردن کارگران نیست که مرتکب خلاف شده، دستمزد کمتر از قانون داده است، دو برابر ساعت قانونی از کارگر کار کشیده، مقررات ایمنی و بهداشت محل کار را زیر پا نهاده و در کشته و مصدوم شدن ده ها کارگر مقصر است.** تکلیف این ها چه می‌شود؟ آیا ربیعی قبل از وقوع این فاجعه از جهنمی شدن محل های کار بی اطلاع بوده که قبل از وقوع فاجعه نتوانسته مانع آن شود؟ آیا شوراهای و انجمن های اسلامی که چشم و گوش وزارت کار هستند در مورد وضعیت مراکز کاری، ایشان را مطلع نکرده‌اند؟ آیا وقوع این فجایع که هر ساله شمارشان بالا می‌رود، نتیجه مقررات زدایی از مناسبات کار و سرمایه که توسط دولت روحانی نیز مانند دولت های پیشین پیش برده شده نیست؟

ربیعی بهتر از هرکس دیگر علل واقعی این فجایع را می‌داند، ولی با سیاستی که دولت در قبال قانون کار و کارگران تعقیب می‌کند، محال است بشود از صعود پرشتاب حوادث کار جلوگیری کرد. کما این که وعده های که ربیعی هر از چند گاهی به دنبال وقوع چنین فجایعی داده تا کنون از شتاب حوادث کم نکرده. بی جهت نیست که او از زمان وقوع فاجعه معدن زغال سنگ زمستان یورت تلاش وافری را برای سرپوش نهادن بر علل انفجار و بازتاب همه ابعاد فاجعه به کار برده و می‌برد.

پرداخت کرده بود، دستمزد ماهیانه شان حتی ۱۳۰ هزار تومان کمتر از حداقل دستمزد اعلام شده است، از ۷ صبح تا ۷ شب یعنی روزی ۱۴ ساعت به جای روزی ۷/۵ ساعت قانونی کار می‌کنند و اضافه کاری هم به آن ها پرداخت نمی‌شود و همین مبلغ دستمزد ناچیز را هم به آنها منظم و به موقع پرداخت نمی‌کنند. در اکثر واحد های تولیدی و خدماتی بالاخص آنهایی که خصوصی هستند و یا تحت تملک نهادهای ریز و درشت متعلق به بسیج و سپاه... یا همان دوستان رئیسی ها و قالیباف ها که در مناظره ها برای فقرا اشک تمساح می‌ریزند، قرار دارند، وضعیت کارگران شان کما بیش مشابه کارگران معدن زمستان یورت است که سهامدار اصلی آن یکی از زیر مجموعه های بسیج است.

همه این حرف هایی که کارگران راجع به وضعیت شان به خبرنگاران گفتند، خلاف ادعاها و آمارهای ساختگی است که وزیر کار و دولت در مورد بهبود شرایط معیشت و کاری کارگران در دولت یازدهم می‌دهند. علی ربیعی پس از افشای پرداخت نشدن حق بیمه ۹ ماه از سال کارگران این معدن به (ایلنا) گفته است: "در صورتی که پیمانکاران معادن، بیمه کارگران را رد نکرده باشند طبق بخشنامه‌ای که مصوب شده کارفرمای اصلی باید پیمانکار را تغییر دهد" به این گفته دو اشکال وارد است، اشکال اول آن است که تکلیف حق بیمه پرداخت نشده کارگران را که درمان، بیمه بیکاری، از کار افتادگی و بازنشستگی کارگران وابسته به آن است را روشن نمی‌کند. اشکال دوم به سخن ایشان این است که همه تقصیر را به گردن کارفرما می‌نهد و عمل نکردن به نقش نظارتی وزارت کار و خودش را لاپوشانی می‌کند. اگر وزارت کار به نقش

محاصره محل، هم خبر رسانی از این فاجعه را محدود کنند و هم اگر اعتراضی به راه افتاد آن را در نطفه خفه کنند. همه این تدابیر که توسط علی ربیعی فرستاده روحانی هدایت می‌شد، در زمانی به اجرا گشت که کاندیداهای میلیاردری ریاست جمهوری در مناظره‌های تلویزیونی، در اشک تمساح ریختن برای فقرا و دادن وعده‌های رنگا رنگ به کارگران و فقرا مشغول ربودن گوی سبقت از یک دیگر بودند.

ربیعی بهتر از هرکس دیگر علل واقعی این فجایع را می‌داند، ولی با سیاستی که دولت در قبال قانون کار و کارگران تعقیب می‌کند، محال است بشود از صعود پرشتاب حوادث کار جلوگیری کرد

درست در بحبوحه این جنجال های فریب کارانه، تنی چند از کارگران معدن در مصاحبه هایی که توسط برخی از رسانه ها با آن انجام شد، با گفتن حقایقی از جهنمی که در آن کار می‌کردند فریب کارانه بودن ادعاهای کاندیداهای دو طرف را بر ملا کردند. کارگران در این مصاحبه ها گفتند: "رعایت ایمنی کار در حد صفر است، در مورد تراکم گاز بارها هشدار داده بودند اما هیچ کس به آن توجه نکرده بود، کارفرما تنها سالی سه ماه از حق بیمه شان را



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۸ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۸ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۴

اتفاق می افتاد و حق و حقوق کارگران این چنین وحشیانه لگد مال می شد. معدن یورت بخاطر مقررات زدایی از مناسبات کار و سرمایه، به جهنمی برای کارگران تبدیل شد. در دیگر واحدها نیز وضع کارگران اگر بدتر نباشد بهتر نیست. این وضعیت و تلاشهایی که برای حفظ آن صورت گرفته و می گیرد نماد آن جهنمی است که هر شش کاندیدای ریاست جمهوری هم در ساختن و هم در نگه داشتن آن برای کارگران سهمیم و هم داستان بوده و هستند. **با این وصف تنها خود کارگران می توانند با مبارزه صنفی و مدنی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، و با هدف تغییر قوانین به نفع خود، رهایی از شرایط جهنمی حاکم در جمهوری اسلامی ایران را به سوی تحولی گسترده رقم زنند.**

کمبود و نبود قانون نیست، قانون و مقررات وجود دارند ولی اجرا نمی شوند.

با اجرای صحیح مقررات مندرج در فصل چهارم قانون کار و در کنار آن آزاد گذاشتن فعالیت تشکل های واقعی و مستقل کارگری ظرف مدت کوتاهی می شود تعداد حوادث را به حداقل رساند. وزیر کار هم این را بخوبی می داند، ولی مشکل این جاست که اجرای این فصل و رعایت حق فعالیت تشکل های کارگری با سیاست های ضد کارگری حاکمیت اسلامی و زیاده خواهی های فزاینده سرمایه داران و کارفرمایان در تعارض کامل قرار دارد و مسئولان دولتی با وجود قربانی شدن کارگران، معهذا حاضر به رفع این تعارض نیستند.

اگر تشکل مستقل کارگری در این معدن وجود داشت که بر اجرای قوانین نظارت می کرد، بسیار بعید بود که چنین فاجعه ای در آن جا

او قبلا نیز با دادن آمارهای ساختگی تلاش می کرد وانمود کند که گویا تعداد حوادث کار را کاهش داده است. بعنوان نمونه تعداد کسانی که بر اساس آمار وزارت کار در اثر حوادث کار در سال "۹۴" یک هزار و ۱۵۰ تن کشته شدند، اما آمار تامین اجتماعی فقط کشته شدن ۱۲۰ تن را ثبت کرده و آمار پزشکی قانونی خبر از کشته شدن ۱۸۹۱ تن داده است.

علی رضا محجوب نیز قبلا گفته بود که ایران از لحاظ تعداد مرگ کارگران بر اثر حوادث کار در جهان مقام دوم و یا سوم را دارد. بهمین اعتبار می توان نتیجه گرفت که تنها یک یا دو کشور در جهان وجود دارند که از این نظر وضع شان از ایران بدتر است. که البته خود محجوب و مجموعه دولتی زیر کنترل او در رساندن جمهوری اسلامی به این مقام فجیع جهانی سهم کمی نداشته اند. مشکل ما در این زمینه



MILAN Aboutaleb Nadri



نقش فدراسیون اتحادیه های کارگری در گفتمان اجتماعی - ۹

مقایسه اتحادیه اروپا و جامعه توسعه جنوب آفریقا

مریم نواز - نوامبر ۲۰۰۲

ترجمه: گودرز

۳/ شورای همیاری اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا (SATUCC)
۲/۱/ توسعه تاریخی شورای SATUCC
۲/۱/۲ ساختار سازمانی

سلامت و ایمنی محیط کار در استخدام دبیرخانه اند. اساساً شورا با امکانات مالی و انسانی محدودی روبرو است. طبق اساسنامه بودجه مالی SATUCC از سوی فدراسیون های کشوری تامین می شود، اما بدلیل ضعف مالی اعضا وضعیت مالی سازمان چندان مناسب نیست. شورا علاوه بر این به دریافت کمک های مالی و پروژه هایی که وسیله دولت ها و سازمان های بین المللی تامین می گردند، متکی است. این کمک ها البته با دستورات و شرایط محدود اجرائی هم روبرو اند، که شورای هماهنگی باید از آنها تبعیت نماید.

آنچه در آغاز کمیته هماهنگی اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا نامیده می شد، سازمان چتری ای بود که نامش را بعداً در سال ۱۹۸۳ به شورای هماهنگی اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا (SATUCC) تغییر داد. در آغاز شورای هماهنگی از یک هیئت مدیره با چهار نماینده از موزامبیک، بوتسوانا، تانزانیا و زامبیا تشکیل می شد، و یک نماینده زن بعنوان نماینده پنجم. در کنگره ماسیرو در سال ۱۹۸۴، مجمع عمومی تصمیم گرفت که شورا را بصورت مؤسسه خودگردان و مستقل از سازمان وحدت اتحادیه های صنفی آفریقایی OATUU در آورد و یک دبیرخانه و دبیر کل برای آن برگزید. پس از چندین انتقال مکان دفتر مرکزی شورا و دبیرخانه آن بدلیل درگیری های سیاسی که فعالیت اتحادیه ها را محدود می کردند، سرانجام دفتر نمایندگی دائمی شورای هماهنگی در سال ۱۹۹۶ در گابرون بوتسوانا افتتاح شد.

بالا ترین ارگان اداری شورا اکنون کنگره است، که در آن هر چهار سال یک بار نمایندگان تمام کشورهای عضو شرکت می کنند. کنگره برنامه های عملی عمومی را تصویب می کند و اعضای شورای مدیران را انتخاب می کند که سالی دوبار جلسه حضوری دارند و مأموریت اجرای وظایف سیاسی شورای هماهنگی را در فاصله بین کنگره ها بر عهده دارند.

دبیرخانه مسئول امور اداری روزانه، تصمیمات اجرائی و نمایندگی شورای هماهنگی در محافل اداری و اجتماعی است، اما امکانات بسیار محدودی در اختیار دارد. بجز دبیرکل، یک منشی و ۳ نفر دیگر هم برای





سازماندهی کلاس ها و کنفرانس هایی برای اعضای اتحادیه ها.

بدنبال توسعه سیاسی در آفریقای جنوبی و نامیبیا در سالهای آغازین دهه ۱۹۹۰، اهداف SATUCC هم تغییر کردند، چرا که "دشمن مشترک" از میان رفته و ناپدید شده بود. یک هماهنگ کننده شورا در این باره نوشته است: "ما از یک تشکل که در آغاز فقط یک بعد سیاسی داشت به سازمانی با رویکرد و راهبردهایی برای توسعه تبدیل شدیم."

این توسعه در بازتعریف چالش های در برابر تشکل چتری منعکس شده است. از این رو شورای هماهنگی به توسعه های اقتصادی و اجتماعی در شکل جهانی سازی و گلوبالیزاسیون برخورد می نماید - بطور مثال ناامنی در اشتغال و کاهش تعداد اعضای اتحادیه ها- نکات توجه را تشکیل می دهند. اضافه براین توسعه دموکراتیک در کشورهای واقع در جنوب آفریقا دیگر موضوعات مورد توجه اند. اهداف ثابت شورای هماهنگی اکنون شامل تشویق و توصیه به ایجاد مؤسسات آموزش حرفه ای است و همچنین هماهنگی فعالیت ها و مقررات حوزه سلامت و ایمنی محیط کار و تامین اجتماعی به علاوه توسعه در استاندارد های بین المللی کار و حقوق بشر. در این استراتژی، توسعه روستایی و شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر در منطقه الویت دارند. در سال ۱۹۹۱، SATUCC منشور پایه حقوق اجتماعی برای کارگران در جنوب آفریقا را تهیه کرد و در سال ۱۹۹۵ آن را به مجمع عمومی SADC تحویل داد.

علاوه بر امکانات مالی و انسانی محدود شورا باید عدم وجود ارتباطات مرتب بین نمایندگان دائمی در شورا و اعضای کشوری فدراسیون ها را هم اضافه کرد. این تا حدودی بدلیل عدم وجود زیرساخت های مخابراتی ضرور برای چنین تماس هایی در برخی کشورهای عضو SADC است و بخشی هم بدلیل ابهام در وظایف دبیرخانه در فاصله تشکیل

جلسات نسبتاً معدود هیئت مدیران است. نتیجتاً اجرای تصمیمات و اصول تصویب شده تنها در جلسات رسمی صورت می گیرد؛ عموماً فرهنگ ارتباط در شورای هماهنگی حول این جلسات شکل گرفته است که آن هم بطور معدود عملی می شود. باید تاکید نمود که SATUCC به هیچ وجه یک تشکیلات فراملیتی نیست، بلکه خود را محدود به هماهنگی فعالیت های فدراسیون های کشوری اعضای SADC می شناسد.

اهداف و استراتژی

در ۱۹۸۰ هدف اصلی شورای هماهنگی آن بود که از مبارزات آزادیبخش در آفریقای جنوبی و نامیبیا حمایت کند که باعث شده بود اتحادیه های صنفی در سطوح ملی و کشوری هم به آن بپیوندند. از همان آغاز شورای هماهنگی سعی کرد منافع و حقوق کارگران در سراسر منطقه را هماهنگ نماید و آن را در سطح SADCC مطرح نماید. فعالیت های ابتدائی آن هم شامل تهیه و تنظیم گزارش هایی در باره اقتصاد و بازار کار منطقه ای بود و تهیه توصیه های اجرایی به SADCC در این باره و

دیگر کشورها

بحران اسپانیا و عمل کرد سندیکاها

روزنامه اسپانیایی آل پایس

در حقیقت، اسپانیا از یک بحران عمیق اقتصادی گذر کرد و اکنون توانسته است، با فائق آمدن بر بحران راه خود را به سوی ثبات بپیماید، ولی در حال حاضر شرایط به شکلی است که نتایج مثبت رفع رکود به میلیون ها خانواده اسپانیایی نرسیده است و هنوز دستمزدها به سقف قبل از آغاز بحران بر نگشته است.

بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، فرصت مناسبی است برای آن که تاملی نکنیم در وظایف سندیکاها، بازار کار و وضعیت اقتصادی اسپانیا در شرایط حاضر.



لازم از دانشگاه ها و مراکز آموزش حرفه ای به بازار کار وارد می شوند، اشتغالی پیدا نمی کنند و در همان حال افرادی با سنین بالای ۴۵ سال که سرشار از تجربه هستند با درهای بسته بازار کار روبرو می شوند.

سرخوردگی این دو بخش فعال و کارآمد جامعه نتیجه نبود قوانین مناسب در بازار اشتغال برای پاسخ گویی به این معضل اجتماعی است. در طول این سال های بحرانی سندیکاها هیچ گاه قادر نشدند با ارائه پیشنهاداتی درخور به این مشکل بپردازند، شاید بیش از اندازه به حسن نیت مدیران و صاحبان شرکت ها اعتماد کردند و حل مشکل را به آنها سپردند و یا زیادی مرعوب بحران اقتصادی بودند.

در شرایط فعلی مشکل بزرگی که سندیکاها با آن روبرو هستند و می باید برای حل آنها اقدام عاجل کنند، مشکل تحلیل رفتن اعتماد کارگران و توده ها به آن ها ست و هم مشکل از دست دادن اعضا و فعالان سندیکایی. برای پیروزی بر این مشکلات می باید ساختار تشکیلاتی و مالی سندیکاها بیش از پیش شفاف و روشن عمل کند، به نحوی که تمامی آنچه را که در این دو عرصه انجام می دهند در مقابل دید همگان باشد. اتخاذ این سیاست گام اول است برای بدست آوردن اعتماد خدشه دار شده توده ها و ترمیم نیرویی مضاعف برای دست یابی به آماج های سندیکایی شان.

امروز بیش از هر زمان بخاطر درگیری با بحران های اقتصادی به حضور سندیکاهایی در جامعه مان احتیاج داریم که مورد اعتماد زحمتکشان باشند و بتوانند از منافع آنان در پای میزهای مذاکره دفاع کنند.

چندی است، دو تشکل بزرگ سندیکایی " اتحادیه همگانی کارگران " و " کمیسیونهای کارگری " در حال حاضر مشغول مذاکره با مدیران شرکت ها هستند، تا بتوانند به توافقی، جهت تعیین نرخ رشد دستمزدها برای معاهده های آتی برسند، مذاکرات هم چنان ادامه دارند و هنوز با اتمام نرسیده و شاید نتیجه این چانه زنی ها سرانجام به توافقی منجر شود که کارگران بتوانند دوباره توان خرید از دست رفته کارگران را به دست آورند.

تردیدی نیست که سندیکاها، سنگ بنای ساختار دموکراتیک نظامات اجتماعی و سیاسی هستند. وظیفه اصلی آنها دفاع از حقوق کارگران است، حضور فعال سندیکاها در هر جامعه مدنی ضامن حفاظت از حقوق زحمتکشان است.

سندیکاها در اسپانیا حتی قبل از آغاز بحران اقتصادی یعنی سال ۲۰۰۷ با دو معضل بزرگ اجتماعی-اقتصادی مواجه بودند که تا به امروز نتوانسته اند به آن ها پاسخ دهند. مشکل اول بیکاری گسترده در میان جوانان و دوم حضور همین مشکل میان افراد بالای ۴۵ سال است. جوانان که با کسب آموزش های



رهبران سندیکایی " ایگناسیو توشو و پیه آلوارز " در تظاهرات اول ماه مه در مادرید



لختی ورق بازی بین کارگران و کارفرمایان

تعادل قدرت بین کارگران و کارفرمایان به شدت تغییر کرده است. کارفرمایان چند برگ قوی در دست دارند که به اتکاء آنها می توانند اتحادیه های اتحادیه های کارگری را نادیده بگیرند. در برابر به نظر می رسد که اتحادیه های کارگری هم به خودآگاهی و آگاهی بیشتری نسبت به وضع جدید دست یافته اند. چه کسی برنده خواهد شد؟

برگهای قوی کارفرمایان

۱/ کاهش تعداد مشاغل ثابت

در مبارزه دائمی کارفرمایان با اتحادیه های کارگری، غیر ثابت و "منعطف" کردن قراردادهای کار برای آنان همان ارزشی را دارد که برگ آس در بازی حکم. کارفرمایان به علت افزایش چشمگیر "خویش فرمایان" و منعطف کاران، بیشتر از هر موقع به بدیلهایی برای دور زدن قراردادهای کار جمعی دست یافته اند. در پایان سال گذشته (۲۰۱۶) ۴۰ درصد افراد کارکن در هلند فاقد قرارداد کار ثابت بودند (کارکن به وسیعترین معنا، یعنی کسی که کار می کند)؛ از جمله به این دلیل که توسط دلان و بنگاه های کاریابی به کار گماشته شده اند یا به اصطلاح امروزی "خویش فرما" هستند یا بر اساس "مقدار حقوق به تناسب مقدار کار" کار می کنند و مقدار و زمان کار را کارفرما تعیین می کند. ده سال پیش این نسبت برابر ۲۰ درصد بود. در نتیجه این روند قدرت مذاکره به سود کارفرمایان تغییر محسوسی یافته است. اگر دستمزد درخواستی مبتنی بر قراردادهای کار جمعی بالا باشد، کارفرما یک "خویش فرما" به استخدام موقت در می آورد تا کار مورد نظر را انجام دهد، زیرا خویش فرمایان زیر پوشش هیچ قرارداد جمعی نیستند. اگر هم برای انجام کار

خاصی هیچ خویش فرمائی پیدا نشود، آن گاه به بنگاه های کاریابی مراجعه می کند. البته کارگران بنگاه های کاریابی، تحت پوشش قراردادهای کار جمعی قرار می گیرند، اما این قراردادهای از قراردادهایی که در آنها خود کارفرما یک طرف آنهاست، به مراتب شل و ول تر اند. به این ترتیب کارفرمایان گریبان خود را از کارکرد حمایتی قراردادهای کار



ما روباتها همین الان خواهان ۳ درصد روغن موتور بیشتر، جریان برق سالم و ... هستیم.

ها در اساس مبتنی بر امکان و الزام توافق عمومی بر سر دستمزدها و دیگر شرایط کار است که آنها برای اعضای شان و در نتیجه برای تمام کارگران بخش معین عقد می کنند. وضعیت کنونی چنان است که کارگران دارای قرارداد ثابت نیز قربانی این برگ قوی کارفرمایان می شوند، زیرا اگر اتحادیه ها انعطاف "لازم" - لازم از نظر کارفرمایان - را نشان ندهند، اصلاً قراردادی بسته نمی شود، زیرا به قدر کافی "نیروی کار منعطف" برای پر کردن محل های خالی کار وجود دارد.

۲. کاهش تعداد اعضای اتحادیه ها

امکان مطالباتی زیادی برای اتحادیه ها وجود نخواهد داشت، اگر مثلاً در بخش "مد و تجارت خرد" فقط ۳ درصد از صدهزار کارگر این بخش را نمایندگی کنند. این روزها جمله "دوره اتحادیه ها دیگر گذشته است" را از زبان کارفرمایان به کرات می شنویم. سابقه این ادعا هم به یکسال و نیم پیش برمی گردد که بزرگترین اتحادیه کارگری هلند (فدراسیون اتحادیه های کارگری هلند) از مذاکرات حول قرارداد جمعی در بخش پوشاک کنار گذاشته شد و اتفاق خاصی هم نیافتاد. البته وضع اتحادیه ها به لحاظ نمایندگی کارگران در هیچ بخش دیگری به اندازه وضع در بخش مد و تجارت خرد نگران کننده

نیست، اما شمار اعضای اتحادیه های در همه بخشها رو به کاهش است. تعداد کارگرانی که تا سال گذشته عضو یک اتحادیه بودند، ۱ میلیون و هفتصدهزار، یعنی ۲۰ درصد کل کارگران بود. در حالی که در سالهای نخستین دهه ۸۰ قرن

جمعی به نفع کارگران، و به همراه آن از مداخله اتحادیه های کارگری در مناسبات بین کارگر و کارفرما رها می کنند. باید توجه داشت که وجود اتحادیه



ساده تر می توان با نیروی کار موقت جبران کرد و این دلیل اصلی ضعف اتحادیه ها برای سازماندهی عمل جمعی در این بخشهاست.

برگ قوی اتحادیه ها

اقتصاد رو به رونق است

خبر خوب برای اتحادیه ها طبعاً این است که اقتصاد، و با تأخیری همچنین بازار کار، مجدداً رو به رونق دارند. در نتیجه نیاز به کارگران افزایش می یابد و اتحادیه ها نیز به خود اجازه می دهند که مطالبات بیشتری را به میان آورند.

در مذاکرات بر سر قراردادهای جمعی کار که در جریان اند، دیده می شوند که اتحادیه ها جسورانه تر عمل می کنند. سودها افزایش و نرخ بیکاری کاهش یافته است. فدراسیون اتحادیه های کار هلند در اثر بحران داخلی مدتی طولانی به مسائل داخلی خودش مشغول بود، اما امروزه می بینیم که با اعتماد به نفس بیشتری عمل می کند.

اما اشتباه نشود! اگر به وضع کنونی از منظر تاریخی نگاه کنیم، نرخ بیکاری هنوز و همچنان بسیار بالاست و رباتی شدن و اتوماسیون کار هم گویای تداوم این روند اند.

ضمناً تأثیر فزاینده کارگران مهاجر را هم نباید نادیده گرفت. اولاً سازماندهی این کارگران به دشواری ممکن است و ثانیاً این کارگران [در مناسبات کاری کنونی، که کار برابر آنان به معنای حقوق جامع برابر برای آنان نیست]، ابزار دیگری در اختیار کارفرمایان برای اعمال فشار بر اتحادیه هائند. حرف کارفرمایان به اتحادیه ها این است: "اگر بخواهید مطالبات بالائی داشته باشید، ما هم کارگران مهاجر را استخدام خواهیم کرد".

گذشته اتحادیه ها یک سوم کارگران را نمایندگی می کردند. فدراسیون اتحادیه ها کارگری هلند،

که با فاصله بسیاری از دیگران بزرگترین اتحادیه کارگری هلند است، در حال حاضر ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار عضو دارد و این تعداد ۱۵۰ هزار کمتر از تعداد اعضای آن در آستانه قرن بیست و یکم است. این اتحادیه در سالهای اخیر خود را با واقعیت نادیده گرفتن شدن توسط کارفرمایان روبرو دیده است. کارفرمایان ترجیح می دهند با اتحادیه های کوچکتر وارد مذاکره شوند. این روشی است که آنها در بخش مد و تجارت خرد ابداع کردند. آنها با اتحادیه های "اتحاد" و "آلترناتیو برای اتحادیه" مذاکره را پیش بردند. راه دومی که کارفرمایان می کوشند تمام اتحادیه ها را دور بزنند، این است که با "شورای شرکت" * به توافق جداگانه ای برسند.

البته جا دارد حدودی سایه روشن در این نکته را به دست دهیم: این که اتحادیه های هلند از هر ۵ کارگر یک کارگر را نمایندگی می کنند، چندان مهم نیست. مهمتر از این آن است که قراردادهای جمعی کار هنوز از مقبولیت بالائی نزد کارفرمایان نیز برخوردارند. این قراردادهای حدوداً ۸۰ درصد کارگران هلند را پوشش می دهند و نیم قرن است که چنین بوده است. این که قراردادهای جمعی از چنین مقبولیت بالائی برخوردارند به سادگی قابل توضیح است: قراردادهای جمعی کار در واقع تنها "کارتل قیمت" مجاز اند. توافقات ناظر بر دستمزدها و دیگر شرایط کار در توافقات جمعی تثبیت می شوند و متعاقباً این توافقات در تمام بخش مربوطه اعتبار پیدا می کنند. به این ترتیب کارفرمایان هم قادر می شوند که مانع "قیمت شکنی" احتمالی دیگر کارگران گردند.

یک سایه روشن بر خود همین سایه روشن هم این است که پوشش قراردادهای جمعی نیز رو به کاهش است. در حال حاضر ۷۶ درصد کارگران زیر پوشش قراردادهای جمعی قرار می گیرند؛ در حالی که این درصد تا مدتهای مدیدی برابر ۸۰ درصد بود.

۳. مشاغل رو به زوال

سالهای بحران اخیر برای اتحادیه ها سالهای تلخی بودند. شرکتها یا برای حفظ خودشان به کفایت دشواری داشتند، یا وانمود می کردند که وضع دشواری دارند. به این ترتیب فضای مذاکرات بسیار محدودی برای اتحادیه ها باقی مانده بود. خوشبختانه بحرانها موقتی اند، اما از دست رفتن بخش قابل توجهی از مشاغل در سالهای بحران جنبه ساختاری داشت. بسیاری از مشاغل اداری، از جمله در بانکها، و کارهای تولیدی در کارخانه ها قربانی اتوماسیون شده اند. رباتها و داده ها، هر قدر هم که انبوه باشند، دست به اعتصاب نمی زنند. فرصتهای شغلی در حال حاضر در بخشهای خدماتی ای ایجاد می شوند که در معرض رباتی شدن نیستند و این بخشها درست همانهایی اند که اتحادیه های در آنها جای پای محکمی نداشته اند.

در بخش صنعت کارخانه های بزرگی وجود دارند و سازماندهی اعتصاب در آنها آسان است. کافی است یک کارگر نصاب یا اوپراتور دست به اعتصاب بزند تا کار یک ماشین مختل شود و به ناگاه بخش قابل توجهی از زنجیره تولید مختل شود. اما در تجارت خرد، در بخش "هتل، رستوران و کافه" (هرک) سازماندهی یک اقدام جمعی دشوار است. کارگران این بخشها را بسیار



بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون مرگ جان‌گداز ده‌ها کارگر معدن یورت

نگ ابدی بر سرمایه داری حاکم در ایران



هزار تومان، ۱۱ ماه حقوق معوقه، پرداخت ۵ روز بیمه در ماه و ۱۶ ساعت کار روزانه در عمق ۱۸۰۰ متری زمین در کاری با ریسک بالای آسیب‌های جسمانی و خطرات جانی مشغول بکار بوده‌اند.

روشن است که کارگزاران سرمایه داری حاکم بر ایران در پس این جنایت هولناک، با کارشناسان رنگارنگ و نمایشی از تخصص اینان در تشخیص علت انفجار، دنبال دلایل به اصطلاح فنی آن خواهند بود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کارفرمای این معدن را بدلیل عدم رعایت نکات ایمنی مقصر اصلی و اهمال کارگران را، به عنوان عامل ثانوی این جنایت

انفجار در معدن یورت آزاد شهر استان گلستان و مدفون شدن ده‌ها کارگر رنج‌کشیده در زیر آواری از سنگ و خاک، بار دیگر صحنه‌های دل‌خراشی از جنایت و تحمیل بالاترین درجه از بی‌حقوقی بر طبقه کارگر ایران را در مقابل دیدگان افکار عمومی قرار داد.

مرگ دسته‌جمعی کارگران معدن ذغال سنگ یورت را به هیچ‌عنوانی نمی‌توان و نباید، صرفاً از زاویه قصور در تامین ایمنی محیط کار نگریست.

این کارگران سال‌گذاشته با دستمزد ماهیانه ۷۳۰ الی ۷۷۰ هزار تومان و در سال جدید با حقوق ماهیانه ۸۰۰



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱۸ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۸ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۴

آیا می شود در کشوری که کارگران
و معلمان را با تشکیل پرونده
های امنیتی به صلابه می کشند و
آنان را با چشمان بسته در سلول
های انفرادی مورد بازجویی قرار
داده و به حبس های طویل المدت
از ۵ تا ۱۷ سال محکوم می کنند،
دولت و کارفرمایان با
استانداردهای امروزی به فکر تامین
ایمنی آنان در محیط کار باشند؟

لذا، کیفر خواست ما کارگران ایران در برابر مرگ جان گذار
هم طبقه ای هایمان در معدن یورت، فراتر از کیفر
خواستی علیه کارفرمای این معدن و کیفر خواستی بر
علیه عدم بکار گیری نکات ایمنی در محیط کار است.

ما کلا نظام سرمایه داری حاکم بر ایران را بدلیل تحمیل
بالا ترین درجه از بی حقوقی بر طبقه کارگر، عامل اصلی
جان باختن هم طبقه ای هایمان در معدن یورت می
دانیم.

ما دردمندیم و با خشمی آکنده از عصیان، در غم از
دست دادن هم طبقه ای هایمان در معدن یورت
سوگواری می. ما شریک غم و اندوه و اشک ها و ضجه های
همسران، فرزندان، مادران، پدران و دوستان و همکاران
کارگران جان باخته معدن یورت هستیم و با تسلیم به
این عزیزان، **همین جا با آنان و کارگران جان باخته
معدن یورت عهد می بندیم، مصمم تر از هر
زمانی، لحظه ای در مبارزه برای پایان دادن به
وضعیت مصیبت بار موجود درنگ نخواهیم کرد.**
دور نیست روزهایی که همه مسببین جنایت علیه
ما کارگران در برابر دادگاه های مردمی قرار
بگیرند.

دهشتناک معرفی خواهند کرد و سپس چرخه ای از سر
دواندن و فرسوده کردن خانواده های کارگران جان باخته
با هدف پرداخت کمترین خسارت به آنان آغاز خواهد
شد.

اما آن چیزی که برای ما کارگران روشن تر است، این
است که مگر می شود در مملکتی که در گوشه ای از
آن بر گرده کارگران معدنش بدلیل اعتراض به عدم
پرداخت مزد شلاق بزنند و در گوشه ای دیگر برای ده
ها تن از آنان پرونده های امنیتی تشکیل بدهند و آنوقت
چیزی به نام ایمنی در محیط کار نیز برای آنان وجود
داشته باشد؟

آیا می شود در کشوری که کارگران معاندش، در
شرایطی که، در حال مرگ تدریجی از گرسنگی بر روی
زمین در برابر چشمان دولت و کارفرمایان هستند آن وقت
کسی به فکر جان آنان در اعماق زمین باشد؟ آیا می
شود در مملکتی که حداقل مزد کارگران با ضرب و زور
سرکوب، توسط دولت و کارفرمایان و مشتی انسان خود
فروخته به نام نماینده کارگر، چندین برابر زیر خط فقر
تعیین و بطور گسترده ای همین دستمزدهای ناچیز
پرداخت نمی شود ایمنی در محیط کار نیز معنایی
داشته باشد؟ آیا می شود در جامعه ای، کارگران و
معلمان از داشتن تشکل های مستقل برای دفاع از
حقوق انسانی شان محروم باشند و آنوقت صاحبان
سرمایه، هزینه ای برای تامین ایمنی محیط کار نکنند؟
آیا می شود در کشوری که کارگران و معلمان را با
تشکیل پرونده های امنیتی به صلابه می کشند و آنان را
با چشمان بسته در سلول های انفرادی مورد بازجویی
قرار داده و به حبس های طویل المدت از ۵ تا ۱۷ سال
محکوم می کنند، دولت و کارفرمایان با استانداردهای
امروزی به فکر تامین ایمنی آنان در محیط کار باشند؟





تعليق قوانین ایمنی و زیاده‌خواهی کارفرما،

فاجعه آفرید

علت اصلی این فاجعه دهشتناک که موجب کشته و مصدوم شدن شمار زیادی از کارگران شده است، تعلیق عملی قوانین و مقررات ایمنی مندرج در قانون کار و جلوگیری از تشکیل و نظارت سندیکاهاى مستقل کارگری بر اجرای آن در محیط‌های کار توسط جمهوری اسلامی و رویکرد کارفرمایان برای کسب سود بیشتر است. در معدن زغال‌سنگ یورت در استان گلستان انفجار مرگباری در روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت رخ داد که با کمال تأسف حداقل ۳۵ کارگر در اثر انفجار جان باختند و سرنوشت ده‌ها تن دیگر که گفته می‌شود هنوز در عمق معدن گرفتار شده‌اند، نا معلوم است. بنا به گفته مقامات دولتی ده‌ها نفر دیگر نیز مصدوم شده‌اند. این فاجعه در حالی به وقوع پیوست که هنوز مردم کشور ما از شوک و غم فاجعه پلاسکو که در آن ده‌ها آتش‌نشان کشته شدند، خارج نشده‌اند.

براساس اظهارات مقامات دولتی، علت انفجار، تراکم گاز متان در محوطه یکی از تونل‌ها بوده است. مقامات مسئول برای سرپوش نهادن بر عدم رعایت بدیهی‌ترین اصول ایمنی که به امر عادی تبدیل شده است، انگشت اتهام را به سوی کارگران نشانه رفته و علت انفجار را سهل انگاری کارگران معرفی می‌کنند. این فرافکنی در حالی صورت می‌گیرد که بنا به برخی گزارشات منتشر شده، کارگران بارها در مورد وجود گاز و ایمن نبودن این تونل به مقامات مختلف و کارفرما هشدار داده و خواهان رفع ایرادات فنی آن شده بودند. ولی کسی ترتیب اثری به این هشدارها نداده بود.

علت اصلی این فاجعه دهشتناک که موجب کشته و مصدوم شدن شمار زیادی از کارگران شده است، تعلیق عملی قوانین و مقررات ایمنی مندرج در قانون کار و جلوگیری از تشکیل و نظارت سندیکاهاى مستقل کارگری بر اجرای آن در محیط‌های کار توسط جمهوری اسلامی و رویکرد کارفرمایان برای کسب سود بیشتر است. به عبارتی دولت و وزیر کار با در پیش گرفتن سیاست مقررات‌زدایی از مناسبات کار و سرمایه، در پیش آمد چنین فجایعی نقش دارند.

بخش مهم سرمایه معدن "صندوق مهر ایرانیان" متعلق به "بسیج مستضعفان" است. معدن فاقد حداقل وسایل ایمنی بوده و راه گریز به هنگام حادثه در آن تعبیه نشده بود. مقامات دولتی اقدامی برای وادار کردن کارفرما به رعایت مقررات ایمنی کار نکرده و دست کارفرما را برای تعدی و ظلم به کارگران باز گذاشته‌اند. به باور ما تا زمانی که کارفرمایان و دولت از اجرای مقررات ایمنی کار سرباز زده و مانع فعالیت تشکلهای کارگری واقعی و مستقل می‌شوند، روند فزاینده این حوادث هم چنان تداوم خواهد یافت و پیشگیری از چنین فجایعی نامیسر خواهد بود.

کارگران شاغل در این معدن ماهیانه ۱۳۰ هزار تومان کمتر از حداقل حقوق دریافت می‌کنند. کارفرمای معدن تنها ۳ ماه در سال برای کارگران حق بیمه رد می‌کند و در پایان هر سال تا ۴ ماه دستمزد معوقه دارند.

ما ضمن تسلیت و همدردی با خانواده کارگران جان‌باخته در این فاجعه دردناک، دولت و مالک معدن را مسئول آن می‌دانیم و خواهان محاکمه و مجازات عوامل این انفجار، پرداخت خسارت به خانواده‌های داغ‌دیده و رعایت مقررات ایمنی و رفع موانع تشکیل و فعالیت تشکلهای کارگری در واحدهای تولیدی و خدماتی هستیم.

هیئت هماهنگی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ

(هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کنشگران چپ



تعطیلی بیش از ۳۰ برند و کارخانه معروف و قدیمی



نسیم آن لاین

«آزمایش» به تاریخ پیوست! اما ارج تنها یکی از کارخانه‌هایی است که رسماً از چرخه تولید کشور خارج شده است. برند معروف آزمایش دیگر تولید کننده لوازم خانگی در کشور هم در دولت تدبیر و امید تعطیل شد. بعد از تعطیلی کارخانه ارج خبرهایی زیادی در خصوص تعطیلی دیگر کارخانه قدیمی تولید لوازم خانگی در کشور یعنی آزمایش هم منتشر شد، اما دولتمردان ترجیح می‌دادند برای فرار از جو روانی ناشی از تعطیلی این کارخانه‌ها

اقتصادی کشور را بشنویم. پایان تلخ قدیمی‌ترین برند تولید کننده لوازم خانگی یکی از این کارخانه‌ها پرونده‌اش بسته شد، کارخانه قدیمی ارج بود. کارخانه‌ای که فعالیت خود را از سال ۱۳۱۶ آغاز کرده و با هشتاد سال سابقه قدیمی‌ترین کارخانه تولید لوازم خانگی در کشور به شمار می‌رود. این کارخانه به دلیل مشکلات شدید اقتصادی و بدهی زیاد، در خرداد ماه امسال توسط دستگاه قضایی پلمپ شد و با به فروش گذاشتن دستگاه‌های خود رسماً فعالیت خود را تعطیل کرد.

ارج، داروگر، آزمایش، پارس الکتریک، پلی‌اکریل اصفهان، کاشی ایرانا، ماشین‌سازی تبریز، ایستک، دوچرخه‌سازی ایساک، قند ورامین، روغن‌نباتی‌قو، چیت‌سازی ری و ایران چوب تنها بخشی از کارخانه‌های مهم تولیدی کشور است که در سه سال و نیم گذشته کرکره خود را پایین کشیدند. تعطیلی کارخانه‌ها انگار داستان تعطیلی برندهای قدیمی و پرسابقه اقتصاد ایران تمامی ندارد و تقریباً می‌توان گفت که عادت کرده‌ایم که هر روز خبر تعطیل شدن یکی از بنگاه‌های بزرگ



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۸ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۸ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۴

کشید، کارخانه قدیمی قند ورامین بود. این کارخانه که چند بار سالهالی اخیر روند فعالیت خود را متوقف کرده بود، در سال ۹۵ به طور رسمی تعطیل شد تا اوضاع برای ۴۰۰ کارگر این کارخانه بسیار سخت‌تر از گذشته شود. یکی دیگر از کارخانه‌های مهمی که در ۳,۵ سال اخیر پرونده فعالیتش بسته شد، دوچرخه سازی ایساک بود. این شرکت که در استان خراسان و شمال شرق کشور سالها فعالیت می‌کرد، اوایل امسال رسماً به فعالیت خود پایان داد صدها کارگر خود را بیکار ببیند. رکود دامن صنعت چوب و روغن نباتی را هم گرفت در صنعت چوب هم وضعیت به هیچ وجه مطلوب نبود و کار کارخانه ایران چوب به تعطیلی کشیده شد. روغن نباتی هم به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های تولید روغن نباتی کشور در ۴ سال اخیر زیر چرخ دنده‌های رکود دوام نیاورد و تعطیل شد. کارخانه معروف هپکو اراک هم در شرایط بحرانی قرار دارد و فعلاً به طور موقت تعطیل شده است. دو کارخانه قند مهم کرج و کردستان هم به دلیل شرایط سخت اقتصادی و واردات گسترده شکر در ۴ سال گذشته ترجیح دادند که فعالیتهای خود را متوقف کنند. تعطیلی کارخانه قند فریمان یکی از مسائلی بود که به کارت زرد وزیر صنعت هم انجامید. یکی دیگر از کارخانه‌هایی که در ۳,۵ سال اخیر فعالیتهای خود را به حالت تعطیل درآورده ، کارخانه زاگرس خودرو است. زاگرس خودرو از جمله شرکتهای وابسته به یک گروه خودروسازی ایرانی در مالزی است که کارخانه آن در بروجرد قرار دارد. مجد گودرزی دبیرکل خانه کارگر بروجرد گفته است که این کارخانه به دلیل کاهش ظرفیت تولید خودرو در آستانه تعطیلی قرار دارد و مدیر

در انبارها دیو شده است. شاید دلیل اصلی مشکلات صنعت کاشی کشور را باید در رکود عمیق اقتصادی بخش مسکن جستجو کرد چرخ ماشین سازی هم دیگر نمی‌چرخد اما شرکت ماشین سازی تبریز هم به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های تولیدی شمال شرق کشور در سالهای اخیر با کاهش ظرفیت و مشکلاتی رو به شده که این مسئله به اعتصاب طولانی بسیاری از کارگرانش به دلیل عدم دریافت مطالبات انجامیده است. دومینوی تعطیلی کارخانه‌های تولید سیمان اما وضعیت سیمان کشور هم به هیچ وجه مناسب نیست و رکود در بخشهای مختلف کشور به خصوص در صنعت ساختمان شرایط سختی برای تولید کنندگان سیمان به وجود آورده است. کارخانه سیمان ایلام یکی از کارخانه‌هایی است که به علت رکود و عدم فروش در خرداد ماه امسال تعطیل شد و کارگران آن بیکار شدند. جالب اینجاست که با وجود گذشت چند ماه از تعطیلی این کارخانه دولتمردان هنوز تمهیدی برای بازگشت این کارخانه مهم به چرخه تولید کشور اتخاذ نکرده‌اند. کارگران شرکت چینی حمید هم در ماههای اخیر بعد از تعدیل نیرو در این کارخانه و عدم پرداخت مطالبات با مشکلات زیادی رو به رو هستند. در این میان شرکت قدیمی تاژ هم که در حوزه تولید مواد شوینده فعال بود در دوران پسابرجام تصمیم گرفت به دلیل رکود اقتصادی امتیاز خود را به شرکت هنکل آلمان واگذار کند! واردات شکر کارخانه‌های قند را خاک سیاه نشانده اما در حوزه صنایع وابسته به کشاورزی هم وضعیت چندان مناسب نبود. از جمله کارخانه‌های مهمی که در این بخش کارشان به تعطیلی

این خبر را تکذیب کنند. اما سرانجام در دی ماه سال گذشته عباس هاشمی مدیرکل دفتر صنایع فلزی و لوازم خانگی وزارت صنعت، رسماً خبر تعطیلی این کارخانه را تایید کرد و گفت که ماشین آلات این کارخانه از تهران به مرودشت منتقل شده و رکود اقتصادی کارکنان آن را از ۱۴۰۰ نفر به ۱۶۰ نفر رسانده است. اما انتشار خبر تعطیلی پارس الکتریک هم مردم و فعالان اقتصادی را بدجوری غافلگیر کرد. این شرکت که متعلق به شستا است و از شرکتهای زیر مجموعه دولت هم به حساب می‌آید در سالهای اخیر حدود ۳۰۰ تن از کارگران خود را اخراج و تقریباً کلیه فعالیتهای خود را متوقف کرده است. اعضای هیات مدیره این شرکت در سالهای اخیر بارها به رئیس جمهور، وزیر کار و مدیران شستا نامه نوشتند، اما شرایط حاکم بر این شرکت نشان می‌دهد، این نامه‌ها تاثیر چندانی بر وضعیت پارس الکتریک نداشته است. جالب اینجاست که حسن روحانی سال ۹۲ و در مناظرات انتخاباتی به مشکلات شرکت پارس الکتریک به عنوان یک بنگاه تولیدی اشاره و از بی‌توجهی دولت قبل به آن گلایه کرده بود. رکود مسکن کمر تولید کنندگان کاشی را شکست اما تعطیلی واحدهای تولیدی به این سه برند قدیمی ختم نمی‌شود و حوزه‌های مختلف تولید در ۳,۵ سال گذشته ضربات سنگینی را از رکود عمیق اقتصادی در کشور خورده‌اند. شرکت کاشی کوپریزد یکی دیگر از این شرکتهاست که در سالهای اخیر ظرفیت تولید خود را به شدت کاهش داده و حقوق کارگران خود را هم پرداخت نکرده است. کارخانه کاشی حافظ و کاشی ایرانا با مشکلاتی از همین جنس مواجه هستند و بسیاری از محصولاتشان



کشور به طور کامل تعطیل شدند و در حال حاضر صنایع روغن‌کشی در مجموع تنها از ۳۹ درصد ظرفیت خود استفاده می‌کنند. چندی پیش مدیرعامل سابق اتحادیه تولید کنندگان فرآورده‌های لبنی خبر از تعطیلی کامل ۳۵۰ کارخانه کوچک حوزه لبنیات داده است. بعضی اخبار هم حکایت از این دارد که ۶ کارخانه بزرگ سیمان کشور اعم از سیمان اردبیل، تهران، ارومیه، مازندران، شرق و سیمان پیوند گلستان به دلیل کمبود نقدینگی و هزینه های بالای تولید کوره‌های روغن به تعطیل شدن هستند.

می‌برد. کارخانه فولاد سهند هم که بزرگترین کارخانه‌های شمال غرب کشور به شمار می‌رود و با ۶۰۰ کارگر در در ماه‌های ابتدایی سال ۹۵ تعطیل شد. جالب این که این کارخانه در همین دولت و توسط اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی افتتاح شده بود! در صنعت چیت‌سازی هم وضعیت تولید اصلاً تعریفی ندارد به شکلی که کارخانه "چیت سازی ری" که روزگاری زنده و پویا بود، اینک روزهای خوبی را سپری نمی‌کند و هزاران کارگر آن از کار بیکار شده‌اند. در میان کارخانه‌های روغن‌کشی هم اوضاع بسیار تیره و تار است به شکلی که ۷ کارخانه روغن‌کشی

کارخانه نیز رسماً اعلام کرده این کارخانه را به دلیل زیان خواهد بست. این کارخانه به دلیل کاهش قدرت خرید مردم متحمل زیان شد است و مجبور است صدها کارگر خود را اخراج کند. "ایستک" هم تعطیل شد! همچنین شنیده‌ها حاکی از این است که کارخانه تولید ماء الشعیر بدون الكل "ایستک" هم در وضعیت نامناسبی قرار دارد و در آستانه تعطیلی قرار گرفته است. این کارخانه در سال ۸۵ با همت گروه سرمایه گذاری ایستک راه اندازی شد و جز کارخانه‌های موفق و پرسود بود اما در یکی دو سال اخیر با تشدید رکود در آستانه تعطیلی به سر





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱۸ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۸ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۴

تتیر اخبار



- / کارگران میدان تره بار خیابان کرمان دست از کار کشیدند
- / مرگ دو کارگر ساختمانی در اراک در دو حادثه جداگانه
- / مشارکت معدنچیان پیشکسوت البرز شرقی برای یافتن محبوس شدگان معدن زمستان یورت
- / کارگران رنگین نخ سمنان برای پنجمین بار تجمع کردند
- / معطلی کارگر ان اخراجی افق کوروش برای دریافت طب مزدی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۸ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۴

- / خودکشی یک جوان در خیابان مولوی اردبیل
- / سریال تجمع کارگران مقابل استانداری مرکزی
این بار کارگران بزرگترین تولید کننده شیرآلات کشور
- / حمله یگان ویژه به کارگران و خانواده های کارگران گرفتار در معدن زمستان یورت شمال غربی!
- / خانواده های کارگران جان باخته معدن آزاد شهر خواهان استعفای مسئولان اداره کار استان گلستان شدند!
- / ۷ هزار تومان به ازای ۱۶ ساعت کار در معدن دریافتی داشتم/ برادرم ۱۲ ماه حقوق دریافت نکرد
- / آخرین اخبار: تلاش برای برداشت ۱۴۰ متر آوار در معدن / ۲ ریزش جدید در تونل
- / کارگران معدن منگنز و نارچ قم: حقوق نجومی نمی‌خواهیم دستمزد خودمان را بدهید
- / کشته و زخمی شدن ۳ کارتن خواب بر اثر ریزش دیوار کارخانه تولید بتن در جنوب تهران
- / کشته و زخمی شدن ۲ کولبردر اشنویه به مرگ بر اثر تیراندازی نیروی نظامی!
- / ریزش دیوار کارخانه در جاده خاوران ۲ کشته و یک زخمی بر جای گذاشت
- / تجمع بازنشستگان فرهنگی برای بزرگداشت روز معلم
- / گرفتاری کارگران امین‌موکت قزوین برای بازنشستگی پیش از موعد
- / "جمع شدن گاز" علت ریزش معدن یورت غربی / با یک جرقه معدن منفجر شد
- / ریزش در معدن زغال سنگ یورت شمال غربی بر اثر انفجار
- / وضعیت کارگران کارخانه "روغن قو" بحرانی است
- تجمع بازنشستگان فرهنگی برای بزرگداشت روز معلم و پیگیری طرح همسان سازی مقابل مجلس!
- تجمع اعتراضی کارگران اخراجی فرو آلیاژ ازنا مقابل کارخانه!
- تجمع اعتراضی کارگران هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اداره تامین اجتماعی اهواز!
- مسمومیت ۹ کارگر در حادثه نشت گاز شرکت پتروشیمی پردیس در ۱۱ اردیبهشت روز تعطیلی رسمی کارگران!
- کشته شدن یک راننده تراکتور در روستای آدینان شهرستان سقز
- تجمع کلاه زردها مقابل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- کشته شدن یک راننده تراکتور در روستای آدینان شهرستان سقز